



The University of Tehran Press

## Examining the examples of the obligation of Tahri in worship from the perspective of Imamiyyah jurisprudence

Ali Farsimadan 

Department of Law and Islamic Jurisprudence, Faculty of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. E-mail: [a.farsi@urd.ac.ir](mailto:a.farsi@urd.ac.ir)

---

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
Received: Jan 9 2023  
Revised: March 12 2024  
Accepted: April 24 2024  
Published 07 June 2024

**Keywords:**  
*Tahri*  
*acts of worship*  
*Imami jurisprudence*  
*obligatory tahri*

---

### ABSTRACT

Tahri is one of the jurisprudential terms in which the obligee uses his efforts to achieve the desired and lawful purpose. This research tries to answer this basic question with a descriptive and analytical method What are the examples of obligatory tahri in worship? Tahri is important because its legitimacy is derived from the Qur'an, hadiths and reason It is used in worship and it is necessary to pay attention to it in order to perform divine duties better. Tahri is a practical method Therefore, the purpose of using Tahri is to prevent mistakes Because not paying attention to it will lead to negligence and an obligatory act. The findings of the research indicate that; Examples of the obligation of Tahri in acts of worship such as Tayammum, prayer, fasting, Itikaf and Hajj have a practical application.

---

**Cite this article:** Farsimadan, A. (2024). Examining the examples of the obligation of Tahri in worship from the perspective of Imamiyyah jurisprudence. *Islamic Jurisprudential Researches*, 20, (2), 151-168.  
**DOI:** <http://doi.org/10.22059/jorr.2024.361756.1009325>



**Author:** Ali Farsimadan

**Publisher:** University of Tehran Press.

**DOI:** <http://doi.org/10.22059/jorr.2024.361756.1009325>

---



دانشگاه تهران

## نشریه پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

### بررسی مصادیق وجوب تحری در عبادات از منظر فقه امامیه

علی فارسی‌مدان

گروه حقوق و فقه مقارن، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، رایانامه: [a.farsi@urd.ac.ir](mailto:a.farsi@urd.ac.ir)

#### چکیده

#### اطلاعات مقاله

تحری یکی از اصطلاحات فقهی است که در آن مکلف تلاش خود را برای رسیدن به مطلوب و مراد شارع به کار می‌گیرد. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال اساسی پاسخ دهد که مصادیق وجوب تحری در عبادات چیست؟ تحری از آن جهت اهمیت دارد که مشروعیت آن برگرفته از قرآن، روایات، و عقل است و در عبادات کاربرد دارد و توجه به آن برای انجام دادن بهتر تکالیف الهی ضروری است. تحری چون شیوه عملی است. بنابراین هدف کاربست تحری جلوگیری از اشتباه مکلف است. زیرا عدم التفات به آن منجر به قصور و فعل مکلف خواهد شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مصادیق وجوب تحری در عباداتی همچون تیمم، نماز، روزه، اعتکاف، و حج کاربرد عملی دارد.

#### نوع مقاله:

پژوهشی

#### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷

#### کلیدواژه:

تحری

عبادات

فقه امامیه

وجوب تحری

استناد: فارسی‌مدان، علی (۱۴۰۳). بررسی مصادیق وجوب تحری در عبادات از منظر فقه امامیه. پژوهش‌های فقهی، ۲۰ (۲)، ۱۶۸-۱۵۱.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2024.361756.1009325>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسنده: علی فارسی‌مدان

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2024.361756.1009325>



## ۱. مقدمه

یکی از اصطلاحات فقهی مرتبط با افعال مکلف تحری است که در آن مکلف می‌کوشد، با بررسی و تحقیق دقیق فقهی، همه توان خود را به کار ببندد تا به مطلوب شارع دست پیدا کند. بنابراین تحری یک نوع اجتهاد لغوی است؛ چنان که علامه حلی اجتهاد را به معنای به کار گرفتن همه توان و قدرت در نظر و رأی دادن دانسته است (علامه حلی، ۱۴۰۴: ۲۴۰). به تعبیر دیگر، مجتهد در اجتهاد بر آن است تا با به کار گرفتن همه توان و بذل طاقت خود حکم شرعی را به دست آورد و حجت بر او تمام شود (عراقی، ۱۳۸۸: ۲۰). در اینجا هم مکلف بر آن است تا با تلاش و کوشش در حد توان خود و نیز با دقت نظر و تأمل بیشتر مطلوب و نظر شارع را تحصیل کند و ذمه او بریء شود. گفتنی است مکلف نباید در تحری دچار وسواس شود و احکام عبادی خود را با تردید و شک انجام دهد؛ تحری کردن به افراد یادآوری می‌کند که نسبت به اعمال عبادی خود سهل‌انگارانه برخورد نکنند. تحری در ابواب مختلف فقهی کاربرد دارد. اما در عبادات بروز و ظهور بیشتری دارد. از این رو پژوهش حاضر درصدد است، با روش توصیفی و تحلیلی، مصادیق تحری در عبادات را مورد بررسی قرار دهد. ولی از آنجا که محقق در تحقیق و تتبع کلمات فقهی به دو بُعد وجوب و استحباب در عبادات پرداخته است این پژوهش به دو سؤال اساسی پاسخ خواهد داد: ۱. دلایل مشروعیت تحری چیست؟ ۲. مصادیق وجوب تحری در عبادات کدام است؟

درباره پیشینه این تحقیق فقهای امامیه به بعضی از احکام وجوب تحری (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱: ۹۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۵۶؛ عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶: ۳۳۱) و استحباب تحری (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۴۷ و ۱۴۸) در عبادات اشاره کرده‌اند. اما به صورت منظم بحث نشده است. در میان آثار مکتوب برخی از پژوهشگران محترم جهان اسلام تلاش‌هایی کرده و آثار ارزشمندی مرتبط با بحث بر جای گذاشته‌اند. فرزاد پارسا در مقاله «تحری: پژوهشی در مفهوم، مشروعیت، کاربرد، و احکام آن» (۱۴۰۱) به بررسی مفهوم تحری و الفاظ مرتبط با تحری، مشروعیت و شرایط تحری، قواعد فقهی ناظر بر تحری پرداخته و دو نمونه از کاربردهای تحری، یعنی تحری برای شناخت قبله و تشخیص ظرف طاهر، را بیان کرده است یا عبدالباسط محمد خلف در مقاله «التحری و أثره فی العبادات» (۲۰۰۹، ج ۲۷، العدد ۱: ۷۲۷ - ۹۰۷) به تحری در عبادات از دیدگاه فقه اهل سنت پرداخته و مصادیق تحری همچون تحری در آب، تحری در شناخت خون حیض از استحاضه، تحری در قبله نماز، تحری در زکات، تحری برای دخول ماه رمضان را از منظر فقهای اهل سنت بررسی کرده است. مقاله حاضر از آن جهت با پژوهش‌های ارزشمند دیگر متفاوت است که با تتبع فراوان در فقه امامیه به انعکاس آرای فقها در بحث تحری پرداخته و سعی کرده مواردی را که استاد پارسا نیآورده احصاء کند و مصادیق و کاربردهای تحری را در دو بخش وجوب و استحباب بیان کند.

## ۲. مفهوم تحری

تحری برگرفته از حرا (حری) است. لغت‌شناسان آن را به معنای «القصد و الاجتهاد فی الطلب و العزم علی تخصیص الشیء بالفعل و القول» دانسته‌اند (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۷۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۱۷۴؛ مهنا، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۵۲). پس، تحری به معنای قصد و تلاش در طلب و درخواست چیزی و عزم و اراده به تخصیص چیزی در عمل و گفتار است. بهترین تعریف اصطلاحی را جوهری در الصحاح ارائه کرده است. «التحری فی الأشیاء و نحوها و هو طلب ما هو آخری بالاستعمال فی غالب الظن» (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶: ۲۳۱۱). لغت‌شناسان دیگر نیز این معنا را نقل کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۱۷۳؛ واسطی، ۱۴۱۴، ج ۱۹: ۳۱۵). برای مطالعه بیشتر درباره مفهوم تحری، کلمات مترادف آن، مشروعیت تحری، قواعد فقهی ناظر بر تحری می‌توان به مقاله «پژوهشی در مفهوم تحری؛ مشروعیت، کاربرد، و احکام آن» (پارسا، ۱۴۰۱: ۱۳ - ۱۶) مراجعه کرد.

منظور نویسنده از تحری در پژوهش حاضر تحقیق و بررسی است تا مکلف را تا حد امکان از اشتباه و خطا بازدارد که بتواند با تلاش بیشتر به مطلوب و مراد شارع در امور عبادی و معاملات و عقود دست پیدا کند (به صورت قطعی) یا نزدیک شود (به صورت ظنی). بدین جهت در تعریف فقهی تحری برخی از فقهای امامیه به عبارت جوهری بسنده کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۰۲، ج ۲: ۹۵۶؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۲۳۱؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۱۸۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۷: ۴۱۳). در این صورت تحری

به معنای دستیابی و رسیدن به مطلوب شارع به صورت تحصیل ظنی (نه قطعی) است. اما محقق کرکی در صدد آن است که این مطلوبیت قطعی باشد، نه ظنی. بنابراین قید «غالب الظن» را در تعریف تحری بیان نمی کند (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۵۱). شهید ثانی در بحثی دیگر تعریف محقق را قبول دارد (شهید ثانی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۴۱۶).

### ۳. مشروعیت و اثبات تحری

در بحث حاضر، یعنی مصادیق تحری، به ویژه وجوب آن، می توان با قرآن کریم و روایات و عقل استدلال کرد.

#### ۱.۳. قرآن کریم

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا.» (جن / ۱۴)؛ هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده است. مفسرین فریقین به بررسی آن پرداخته اند. مفسرین شیعه برای تحری معانی ای همچون طلب کردن (طوسی، بی تا، ج ۱۰: ۱۵۲)، طلب کردن چیزی و قصد کردن آن (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۵۵۸)، گشتن برای یافتن آن (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۴۵) بیان کرده اند. اما مفسرین اهل سنت تحری را «تَوَخَّى» یعنی قصد معنا کرده اند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۶۷۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۱۰۰). برخی از مفسرین شیعه به تبیین معنای اصطلاحی آن پرداخته و بیان کرده اند تحری جدیت و کوشش در تحصیل امری است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۳۴) یا تحری تلاشی است برای یافتن اینکه چه چیزی شایسته و حق است (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۶: ۴۵۶). در مقابل ایشان، برخی از مفسرین اهل سنت وجوب تحری قبله را به عنوان نمونه کامل و مهم آن یاد کرده اند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۵۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹: ۱۷). بنابراین وجوب تحری مشروعیت قرآنی دارد.

#### ۲.۳. روایات

برخی روایات وارد شده است که در آن به صراحت تحری بیان شده و منظور از آن همان معنای اصطلاحی فقهی است. مثلاً امام باقر (ع) فرمود: «يُجْزَى التَّحَرَّى أَدَاً إِذَا لَمْ يُعْلَمْ أَيْنَ وَجْهُ الْقِبْلَةِ.» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۶: ۶۵). بنا بر دستور امام (ع) اگر مکلف جهت قبله را نمی داند تلاش خود را به کار ببندد تا جهت قبله را تحری کند. یا بیشتر محدثین اهل سنت این روایت نبوی را نقل کرده اند: «تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ مِنْ رَمَضَانَ» (ابن انس، ۱۴۲۵، ج ۳: ۴۶۱؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۴۰: ۳۳۵؛ بخاری، ۱۴۱۰، ج ۳: ۳۶۱؛ ابن حجاج، ۱۴۱۲، ج ۲: ۸۲۸؛ ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۹۸). منظور پیامبر آن است که در ده روز آخر ماه مبارک رمضان به دنبال شب قدر باشید و با تلاش و کوشش آن را درک کنید و به عمل صالح و شب زنده داری مشغول شوید.

#### ۳.۳. عقل

عقل می پسندد که مکلف برای رسیدن به مطلوب شارع تلاش کند. البته عقل وسواس در عمل به احکام شرع و تکالیف دینی را نمی پذیرد. بلکه عقل حکم می کند مکلفین نسبت به اعمال عبادی خود سهل انگارانه برخورد نکند و در عمل به شریعت افراط و تفریط نداشته باشد. بدین جهت علامه حلی در تذکرة الفقهاء (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۸۴) و نهایة الاحکام (علامه حلی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۳۸۰) تحری را ابزاری برای دفع مشقت می داند و سایر فقهای امامیه آن را پذیرفته اند (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۵۴؛ نجفی، بی تا: ۳۹۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۴۴).

### ۴. مصادیق وجوب تحری در عبادات

با تحقیق و مطالعه در آرا و عبارات فقهای امامیه می توان تحری را از دو جهت وجوب و استحباب تبیین کرد.

#### ۱.۴. تیمم

تیمم در مواردی واجب است؛ همچون آب [برای وضو یا غسل] نباشد، برای رسیدن به آب عذری وجود دارد، استعمال آب برای بدن ضرر دارد، وقت نماز تنگ باشد (سیدمرتضی، ۱۳۸۷: ۵۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۵۸؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۳۱۵). با توجه به آیه شریفه «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا.» (نساء / ۴۳) و روایات (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۸۳) تیمم بر خاک و هر آنچه از زمین

می‌روید جایز است. حکم مشهور نیز همین است (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۴۳).  
با تحقیق و تتبع مشخص شد، در زمینه تیمم، تحری در سه مورد واجب است:

#### مورد نخست. تیمم به غبار

**تبیین مسئله:** گاهی مکلف برای تیمم زمین (خاک و سنگ) ندارد؛ مجبور است از غبار لباس یا غبار نمذ زین اسب یا غبار یال چهارپا برای تیمم استفاده کند. فقهای امامیه بین ترتیب و تخییر در این موارد اختلاف نظر دارند. شیخ طوسی قائل به ترتیب «حیوان، لباس» است (طوسی، ۱۴۰۰: ۴۹). اما صاحب السرائر قائل به ترتیب «لباس، حیوان» است (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۸). محقق کرکی کلام دو فقیه را ضعیف می‌داند و ترتیب را قبول ندارد و قائل است غبار اینجا موضوعیت دارد و باید به وسیله غبار تیمم کند و محل و مکان غبار اعتبار ندارد (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۸۴). برخی دیگر نیز قائل به تخییر هستند (شهید ثانی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۳۲۷) که قول مشهور فقها تخییر است (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۴۳). در این مسئله شهید ثانی در کتاب‌هایش قائل به وجوب تحری است (شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۵۶ و ۱۴۲۲: ۶۰ و ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۱۳).

**دلیل مسئله:** مستند جواز تیمم بر این موارد روایات است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۳۵۳ - ۳۵۶). شیخ حرّ عاملی، بعد از نقل روایاتی، فتوا داده است باید به غبار تیمم کرد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۳۵۵). بنابراین مکلف در این مسئله باید برای دستیابی به مطلوب شارع سعی کند؛ یعنی غبار بسیاری از جنس خاک از روی آن‌ها جمع و سپس تیمم کند. وگرنه بدون غبار و صرف دست زدن به این‌ها برای تیمم کردن صحیح نیست. بدین جهت تحری باعث می‌شود مکلف در تیمم کردن غبار را احساس کند. زیرا فقها احساس کردن غبار را شرط کرده‌اند (سبزواری، ۱۴۴۷، ج ۱: ۹۹ و ۱۴۲۳، ج ۱: ۴۳؛ نراقی، ۱۴۲۲: ۴۵۱؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۵۶).

**بررسی مسئله:** درباره مورد نخست ملاحظه‌ای مهم وجود دارد و آن این است که بیان موارد سه‌گانه یعنی غبار در این‌ها برای تیمم کردن دلیل بر انحصار نیست. زیرا غالباً در این‌ها غبار جمع می‌شود. بنابراین، اگر از هر چیزی که روی آن غبار وجود دارد می‌تواند غبار بسیاری جمع و تیمم کند. البته در موارد دیگر که غبار روی اشیا وجود دارد حکم وجوب تحری نیز جاری است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۱۳). صاحب جواهر الکلام در غیر این سه مورد ابتدا قائل به استحباب تحری است و در ادامه وجوب تحری در این‌ها را خالی از قوت نمی‌داند و وجوب تحری را می‌پذیرد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۱۴۶). بنابراین غبار در اینجا موضوعیت دارد. پس اگر در این موارد و سایر اشیا دیگر غبار وجود نداشت، تیمم بر آن‌ها جایز نیست (نجفی، ۱۴۰۴). دلیل عدم انحصار در این سه مورد روایت امام صادق<sup>(ع)</sup> است که به صراحت فرمود تیمم بر هر شیء که غبار دارد جایز است (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۵۶ و ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۹۰). شهید ثانی با استناد به این روایت حکم به عدم حصر داده است (شهید ثانی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۳۲۷).

#### مورد دوم: تیمم هنگام خروج از مسجدین

**تبیین مسئله:** اگر شخصی در مسجدالحرام یا مسجدالنبی محتلم شود، در مورد خروج ایشان از مسجدین دو قول مطرح است. بنا بر فتوای اکثر علمای شیعه واجب است برای خروج از مسجد تیمم کند (محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۸۹؛ علامه حلّی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۴۰ و ۱۴۱۲، ج ۲: ۲۲۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۹، ج ۲: ۲۰). مستند آن اجماع (محقق حلّی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۸۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۴: ۴۰۱) و روایت امام باقر<sup>(ع)</sup> است که حکم به تیمم چنین شخصی داده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵: ۲۱۲). اطلاق روایت اقتضای وجوب تیمم داده است (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۱). قول دیگر که از آن ابن‌حمزه است حکم به استحباب تیمم داده است (طوسی، ۱۴۰۸: ۷۰). البته این فتوا ضعیف است (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۸۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۹، ج ۲: ۲۰). در مورد خروج از مسجدین شش حالت و صورت وجود دارد که متناسب با آن حکم فقهی آن نیز بیان شده است (← بهجت، ۱۴۲۳: ۵۷).

**اقسام و ادله مسئله:** فقهای امامیه در این مورد حکم به وجوب تحری داده‌اند. البته وجوب تحری در اینجا دو گونه است. گونه نخست. محتلم هر چه سریع تیمم را انجام دهد و همه تلاش خود را به کار ببندد تا از نزدیک‌ترین راه از مسجد خارج شود (سبزواری، ۱۴۴۷، ج ۱: ۱۱؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۶۷). دلیل آن روایتی است که امام باقر<sup>(ع)</sup> در این وضعیت فرمود باید با حالت تیمم از مسجدین خارج شود (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵: ۲۱۲).

**بررسی مسئله:** با توجه به جایگاه مقدس و مهم مسجدین، وجوب تحری در اینجا صحیح است؛ چنان که مستند روایت از

لحاظ سندی صحیح است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۳: ۱۶۶). بر این اساس روایت دلالت بر آن دارد که مرور و راه رفتن با حالت جنب در مسجدین حرام است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۵۷) و باید بر مبنای فتوای بیشتر علمای شیعه تیمم کند (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۰). علامه حلی به نوعی قائل به وجوب تحری است و می‌گوید [بعد از تیمم] قصد کند از نزدیک‌ترین در مسجد خارج شود (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۴۱ و ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۰۳).

**گفته دوم.** مکلف مضطر شود به دلایلی مانند قفل شدن درها و ترس از مال و جان مجبور باشد در مسجد بماند. در این صورت فقط تیمم کند (علامه حلی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۰۳).

**بررسی مسئله:** علامه حلی در *نهایة الاحکام* مستند بحث را آیه شریفه «... لا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ» (نساء/ ۴۳) بیان کرده است (علامه حلی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۰۳).

#### مورد سوم: تیمم به وحل

**تبیین مسئله:** در صورتی که خاک برای تیمم نباشد، یکی از اشیائی که تیمم بر آن صحیح است وحل (گرم نرم و رقیق) است (علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۳۴؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۱: ۵۶؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۳۲۶).

**دلیل مسئله:** مستند بحث روایتی است که عبدالله بن مغیره نقل کرده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵: ۱۹۴) به شرطی که اصل وحل از زمین یا از چیزی که تیمم بر آن صحیح است باشد (شهید ثانی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۳۲۶؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۲۲).

**بررسی مسئله:** شیخ بهایی در *الحبل المتین* حکم به وجوب تحری در این حالت داده؛ یعنی تلاش کند تا گل نرم را خشک و سپس تیمم کند. زیرا خاک مقدم بر گل است (عاملی، ۱۳۹۰: ۹۱). فقهای دیگر نیز این فتوا را به ایشان نسبت داده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۳: ۱۸۳ و ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۲۷؛ جزایری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۳۵۶).

## ۲.۴. نماز

موارد وجوب تحری در نماز عبارت است از:

### ۲.۴.۱. نماز در وسیله نقلیه

**تبیین مسئله:** یکی از کاربردها و مصادیق تحری در فقه تحری برای شناخت قبله است (← پارسا، ۱۴۰۱: ۱۳ - ۱۶). به اجماع فقها قبله وجوب شرطی است و اگر شرط منتفی شود اصل وجوب نیز منتفی خواهد شد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۳۲). اما اگر برای نماز گزار اضطرار به وجود آید برخی قائل‌اند در حالت اضطرار ادای نماز به سمت قبله لازم نیست (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۳: ۱۸۸). بدین جهت قیود تمکن (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۳: ۱۸۸) و قدرت (علامه حلی، ۱۴۱۳، قواعد الأحکام، ج ۱: ۲۵۲؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۱: ۷۷؛ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۵۹) را ذکر کرده‌اند. حال اگر بنا بر دلایل مختلف امکان اقامه نماز روی زمین نباشد، ضرورت اقتضا می‌کند نماز روی مرکب یا در وسیله نقلیه خوانده شود. در این حالت آیا رعایت قبله واجب است؟ محقق حلی در *سرائع الإسلام* استقبال قبله را واجب می‌داند. بنابراین قید تمکن را مطرح کرده است. یعنی به هر صورتی که ممکن است به هر طریقی به سمت قبله انحراف داشته باشد؛ مثلاً مرکب را تا حد امکان به جهت قبله متمایل سازد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۵۷). فقهای دیگر به جای قید تمکن عبارت «تحری» را بیان کرده‌اند و با طرح این سؤال که «آیا تحری واجب است؟» حکم به وجوب تحری داده‌اند. زیرا تحری به نظر شارع نزدیک است (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۳: ۱۴۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۷: ۴۲۷) و موجب می‌شود نظر مطلوب شارع تأمین شود. بنابراین مکلف باید همه توان و سعی خود را به کار ببندد تا با بررسی و تحقیق تا حد امکان بتواند نماز را به سمت یا متمایل به قبله بخواند. در اینجا چون خروج از قبله صدق می‌کند و قضای نماز نیز واجب نیست، راهکار این است که بین سمت راست و چپ (یا بین مشرق و مغرب) بخواند (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۳: ۱۹۲؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲، ج ۲: ۵۲۸) و لازم نیست به جهات دیگر بخواند (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۳: ۱۹۲). فقهای دیگر نیز فتوا به وجوب تحری در این مسئله داده‌اند (سیدمرتضی، ۱۳۸۷: ۷۸؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۳۶؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۴۶۷؛ عاملی، ۱۴۱۱، ج ۳: ۱۴۱).

**دلیل مسئله:** مستند جواز اقامه نماز روی مرکب و وجوب تحری روایات رضوی است. در باب نماز در کشتی روایتی آمده که

تحری به سمت قبله را بیان کرده (منسوب به امام رضا، ۱۴۰۶: ۱۴۶) یا وقتی زمان نماز رسیده و ترس از حیوان درنده و دزد وجود دارد نماز را روی مرکب خود بخواند (منسوب به امام رضا، ۱۴۰۶: ۱۴۸). همچنین در روایتی به صراحت بیان شده، در صورت تحیر قبله، نماز به سمت ما بین مشرق و مغرب اقامه شود (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۷۶)؛ چنان که خداوند فرمود: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (بقره/ ۱۱۵). علامه حلی نیز قائل است اگر کسی بین مشرق و مغرب نماز خواند مطلقاً اعاده ندارد (علامه حلی، ۱۴۱۳، مختلف الشیعه، ج ۲: ۶۹)؛ درحالی که برخی حد عجز را در عدم قدرت بر توقف به مقدار زمان نماز می‌داند.

**بررسی مسئله:** در مسئله ملاحظه‌ای وجود دارد؛ شاید کلام محقق حلی و برخی فقها در مورد حیوان و کشتی درست باشد و بتوان آن را عملی کرد. بنابراین، روی مرکب می‌توان در حد امکان حیوان را به سمت قبله متمایل کرد. اما در مورد نماز خواندن در قطار یا هواپیما شاید محقق نشود و باید مکلف جهت ایستادن خود را متمایل به قبله کند. بر این اساس علامه حلی قید «تمکن و امکان» را به فتوای فقها و علمای امامیه نسبت داده است که تا هر مقدار که ممکن است به سمت قبله بخواند (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۸۴).

#### ۴.۲.۲. قیام نماز

**تبیین مسئله:** اگر مکلف به حکم ثانویه (عجز از قیام) نشسته نماز می‌خواند، آیا تحری در اینجا واجب است؟ تنها فقیهی که تحری را در اینجا واجب دانسته صاحب کشف اللثام است (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۴۰۱). ایشان در تبیین و طرح مسئله تحری می‌گوید اقل نشسته خواندن آن است؛ به اندازه‌ای خم شود که صورت در محاذی زانو و ران پا قرار گیرد. مقدار کامل آن طوری است که صورت تا موضع سجده پایین بیاید. سپس این سؤال را طرح می‌کند که آیا بالا آوردن ساق و ران پا از زمین واجب است؟ شهید اول بالا آوردن ران‌ها را در رکوع واجب می‌داند. یعنی به اندازه‌ای خم شود که صورت تا محاذی زانو پایین باشد (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۱: ۱۶۸). زیرا این حالت با تذلل و خضوع و همچنین با هیئت رکوع و قیام تناسب دارد. بدین جهت تحری واجب است (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۴۰۱).

**دلیل مسئله:** شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه با بیان روایت نبوی می‌گوید قیام و اعمال نماز باید با حالت تواضع در برابر خداوند باشد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۰۳). بنابراین دلیل وجوب تحری آن است که در حالت نشسته طوری نماز بخواند که رکوع معنا پیدا کند و به اندازه‌ای خم شود تا به نظر مطلوب شارع دست پیدا کند.

#### ۴.۲.۳. نماز قضا

**تبیین مسئله:** یکی از مباحث نماز قضا در مورد عدم علم به تعداد نمازهای قضا شده است. در این مسئله شهید اول قائل به وجوب تحری است (شهید اول، ۱۴۱۰: ۴۶). به تبع ایشان، شهید ثانی وجوب تحری را می‌پذیرد و در توضیح آن می‌گوید اگر مکلف تعداد نمازهای قضا شده را نمی‌داند، باید تحری کند؛ یعنی بکوشد تا به مقداری که ظن و گمان قوی به ادای تکلیف نمازهای فوت شده حاصل می‌شود نمازها را قضا کند. در این صورت با اعتماد به ظن و گمان به مطلوب شارع دست پیدا می‌کند (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۷۵۰).

**دلیل مسئله:** مستند وجوب تحری نخست روایت امام صادق<sup>(ع)</sup> است. امام<sup>(ع)</sup> در پاسخ کسی که تعداد نمازهای فوت شده را نمی‌دانست فرمود: «تَوَخَّ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۶: ۵۵۳). توخ مترادف تحری است (فرزاد، ۱۴۰۱: ۱۳ - ۱۶). بنابراین منظور از «توخی» آن است که نمازهای فوت شده را بخواند تا اینکه ظن و گمان قوی به ادای آن‌ها حاصل شود (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۷۳۲). دلیل دوم قاعده اشتغال است. قاعده اقتضا می‌کند وجوب اتیان نمازهای قضا شده تا جایی است که امتثال قطعی به دست آید (عاملی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۴۷). زیرا نمازهای فوت شده در ذمه انسان باقی است و زمانی یقین به رفع ذمه حاصل می‌شود که نمازهای قضا شده خوانده شود (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۱۳). به عبارت دیگر، آن قدر خواندن نماز قضا را تکرار کند تا ظن به ادای نمازهای فوت شده حاصل شود (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۱: ۲۰).

## ۴.۳. روزه

فقه‌های امامیه در سه مورد حکم به وجوب تحری کرده‌اند:

## ۴.۳.۱. عدم علم به ماه رمضان

**تبیین مسئله:** صاحب العروة الوثقی در مورد اسیر و زندانی که امکان تحصیل علم به ماه رمضان ندارد قائل است بر اساس ظن و گمان قوی خود عمل کند (یزدی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۶۳۲). این فتوا مطابق قول مشهور است که برای آن ادعای اجماع شده است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۱۴۲؛ خوبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۲۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۰: ۲۷۹). فقها با بیان‌های مختلف در مورد تحری در این مورد سخن گفته‌اند. علامه حلی ابتدا در تذکره الفقهاء و منتهی المطلب وجوب اجتهاد و کوشش را برای رسیدن به ظن و گمان قوی مطرح می‌کند و می‌گوید بر مکلف واجب است مطابق ظن عمل کند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۱۴۲ و ۱۴۱۲، ج ۹: ۲۵۶). سپس در تحریر الأحکام می‌گوید اگر نتوانست به ظن برسد باید توخّی (تحری) کند تا ماه رمضان را به دست آورد و روزه بگیرد (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۴۹۴). زیرا توخی (تحری) مکلف را بر آن می‌دارد تا طبق تحقیق و بررسی و کوشش در مورد فهم زمان ماه رمضان عمل کند و روزه بگیرد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۱۴۴). فقهای بعد از علامه همچون شهید اول (بی‌تا، ج ۱: ۳۱۶)، مقداد حلی (۱۴۰۳: ۴۸۷)، شهید ثانی (۱۴۱۳، ج ۲: ۵۷)، صاحب مدارک الأحکام (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶: ۱۸۷)، صاحب ریاض المسائل (حائری، ۱۴۱۸، ج ۵: ۴۳۳)، و نراقی در مستند الشیعة (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۴۳۰) به صراحت حکم به وجوب تحری و عمل بر مبنای آن در این بحث داده‌اند. محقق خوبی از فقهای معاصر قائل است اسیر و زندانی باید تحری کنند و بر طبق ظن خود عمل کنند (خوبی، ۱۴۱۸، ج ۲۲: ۱۰۰).

**دلیل مسئله:** مستند وجوب تحری روایات است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۲۷۶ - ۲۷۷). مثلاً امام صادق (ع) در پاسخ راوی در مورد اسیر رومی که ماه رمضان را نمی‌دانست حکم به وجوب تحری و عمل بر مبنای نتیجه تحری داد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷: ۶۸۲).

**بررسی مسئله:** در مسئله ملاحظه‌ای وجود دارد؛ در اینجا می‌توان الغاء خصوصیت کرد. یعنی این حکم فقط برای اسیر و محبوس نیست و شامل هر کسی که علم به ماه رمضان ندارد می‌شود و لازم است به هر طریقی تحری کند و علم به ماه رمضان پیدا کند و روزه بگیرد.

## ۴.۳.۲. کفاره روزه

**تبیین مسئله:** یکی از مصادیق وجوب تحری در کفاره روزه مربوط به شصت روز روزه گرفتن است. کفاره عمدی ماه رمضان شامل آزاد کردن بنده، دو ماه روزه گرفتن، و سیر کردن شصت فقیر است (صدوق، بی‌تا: ۷۳؛ اسکافی، ۱۴۱۶: ۱۱۱). بسیاری از فقها قائل به تخییر (مفید، ۱۴۱۳: ۳۴۶؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۵: ۱۹۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، مختلف الشیعة، ج ۳: ۴۳۸)، برخی قائل به ترتیب (عمانی، ۱۴۱۳: ۲۹۳)، و برخی دیگر قائل به عدم ترجیح (حلبی، ۱۴۰۳: ۱۸۲ - ۱۸۳) هستند و باید سی و یک روز آن نتایج داشته باشد. بر مبنای فتوای صاحب کشف اللثام تحری واجب است. یعنی بررسی و تحقیق و تلاش کند و طوری روزه گرفتن را آغاز کند که هیچ مانع شرعی مانند عید [فطر و قربان] یا ماه رمضان روزه گرفتن را قطع نکند و زمان از موانع شرعی سالم بماند؛ در غیر این صورت این‌گونه روزه گرفتن مجزی نیست (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۹: ۱۵۹). فقهای دیگر نیز قریب به همین فتوا را داده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳، مختلف الشیعة، ج ۳: ۳۰۳؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۰۱). همچنین صاحب العروة الوثقی (یزدی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۶۵۴) و به تبع ایشان فقهای معاصر - همچون محقق خوبی، امام خمینی، تبریزی، سیستانی، بهجت، زنجانی - وجوب تحری را با تعبیری دیگر بیان می‌کنند و می‌گویند کسی که می‌خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد نباید موقعی شروع کند که در میان سی و یک روز روزی باشد که مانند عید قربان روزه آن حرام است (خمینی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۹۳۰).

**دلیل مسئله:** نخستین دلیل روایتی است که در آن فردی که به خاطر کفاره‌ای باید روزه می‌گرفت از ماه شعبان شروع کرد و با آغاز ماه رمضان مجبور شد روزه کفاره را قطع کند و امام صادق (ع) فرمود این کفاره صحیح نیست و باید دوباره روزه بگیرد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷: ۵۷۴). مستفاد از روایت آن است که این شخص باید تحری می‌کرد تا کفاره روزه را درست بجا می‌آورد.



بدین جهت شهید ثانی در *مسالك الأفهام* به صراحت فتوا داده است که تحری در این حالت واجب است و باید تلاش کند تا کفاره روزه را به گونه‌ای آغاز کند تا بتابع روزه گرفتن از باب مقدمه واجب رعایت شده باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۰: ۸۹). دلیل دوم مقتضای قاعده عقلی است. در جایی که عقلاً و شرعاً بتابع ممکن نیست شروع آن نیز جایز نیست؛ چنان که نماز در زمان و مکانی که قادر بر اتمام آن ندارد صحیح نیست (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۲۱: ۳۰۰).

#### ۴.۳.۳. نذر روزه یک ماه

**تبیین مسئله:** یکی از اقسام روزه واجب روزه به سبب نذر است (صدوق، ۱۴۱۵: ۱۸۰). حال اگر مکلف نذر کرد یک ماه [غیر معین] روزه بگیرد، ادای این نذر واجب است. برخی از فقها تحری را در اینجا واجب می‌دانند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۱۵۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، قواعد الأحکام، ج ۳: ۲۸۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱: ۳۸۸؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۹: ۸۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۵: ۴۴۰). منظور از تحری آن است که زمان آغاز روزه به گونه‌ای باشد که موانع شرعی روزه را قطع نکند. مثلاً در ماه ذی‌حجه شروع نکند. زیرا روز عید قربان توالی را قطع می‌کند. البته اقل بتابع پانزده روز است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۱۵۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، قواعد الأحکام، ج ۳: ۲۸۸).

**دلیل مسئله:** تحری وصف نذر است و وجوب وفا به نذر اقتضای عمل به تحری را دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱: ۳۸۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۵: ۴۴۰). همچنین اشاره روایت به گرفتن حداقل پانزده روز روزه (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۲۸۵) بیانگر وجوب تحری است. بنابراین اگر نذر کرد یک ماه روزه بگیرد وجوب تحری اقتضا می‌کند ماهی را طلب و جست‌وجو کند که بتواند یک ماه روزه بگیرد.

#### ۴.۴. تخلی در اعتکاف

**تبیین مسئله:** یکی از احکام اعتکاف خروج از مسجد برای تخلی است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۹۴) که مورد قبول همه فقهای امامیه (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶: ۳۳۱) و نیز فقهای متأخر است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۶: ۴۳۴). مستند جواز خروج از مسجد برای تخلی روایات (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۵۴۹ - ۵۵۱) و اجماع (میرزای قمی، ۱۴۱۷، ج ۶: ۲۱۹) است. در اینجا وجوب تحری برای دستیابی به مطلوب شارع و رفع ضرورت دارد (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶: ۳۳۱؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۰۰).

**کیفیت تحری در مسئله:** بر معتکف لازم است نزدیک‌ترین راه را انتخاب کند و در سریع‌ترین زمان ممکن این قضای حاجت را انجام دهد (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۳۵۹). بدین جهت در مسیر رفت و برگشت اجازه انجام دادن کار غیرضروری و مکث و توقف را ندارد و باید به قدر ضرورت اکتفا کند (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۲۷۳). بر این اساس اگر خروج از مسجد را طولانی کند و سستی بوزر تا زمان برگشت طولانی شود، موجب باطل شدن اعتکاف می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۲۲: ۲۱۲ و ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۰۳). فقها برای مصادیق عدم سستی و عدم تعلل برای قضای حاجت در راه رفت و برگشت به مسجد به مواردی همچون راه نرفتن زیر سایه و عدم توقف بدون دلیل و ضرورت در راه (طوسی، ۱۴۰۰: ۱۷۲؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۲۵)، و عدم استراحت و نشستن زیر سقف از روی اختیار (حلی، ۱۴۰۳: ۱۸۷؛ سیدمرتضی، ۱۴۱۵: ۲۰۳) اشاره کرده‌اند. حتی علامه حلی حکم به حرمت راه رفتن زیر سایه و توقف در مسیر داده است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۲۹۵ و ۱۴۱۲، ج ۹: ۵۰۸) و به روایت امام صادق<sup>(ع)</sup> استناد کرده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷: ۶۷۹).

**دلیل مسئله:** مستند وجوب تحری در زمان خروج برای تخلی روایتی از امام صادق<sup>(ع)</sup> است. راوی از امام<sup>(ع)</sup> در مورد واجبات اعتکاف پرسید. امام<sup>(ع)</sup> در این روایت به صراحت فرمود فقط برای حاجتی که ضرورت دارد جواز خروج از مسجد را دارد و در راه نباید استراحت و توقف کند تا به مسجد برگردد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷: ۶۷۹).

**بررسی مسئله:** در این مسئله ملاحظه‌ای را صاحب مجمع الفائدة و البرهان وارد کرده و تحری را قبول ندارد. زیرا قائل است وقتی که اصل عمل اعتکاف استحباب دارد چگونه رعایت تحری و این‌گونه مسائل ضروری و واجب است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۳۵۹). اما اشکال ایشان وارد نیست. زیرا درست است که اعتکاف یکی از مستحبات مؤکدی است که برای انجام دادن آن بسیار سفارش شده است (طوسی، ۱۴۰۰: ۱۷۰)، اعتکاف گاهی به سبب امور شرعی دیگر، مانند نذر و عهد (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۱:

۱۵۷؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۳: ۴۷۹) و گذشت دو روز از اعتکاف (یعنی روز سوم) (علامه حلی، ۱۴۱۳، قواعد الأحکام، ج ۱: ۳۸۸؛ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۹۴)، واجب می‌شود.

#### ۴.۵. نماز طواف حج

**تبیین مسئله:** بعد از اتمام طواف، خواندن دو رکعت نماز واجب است (محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۹۳؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۶؛ یزدی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۶۰۹). مستند این فتوای مشهور (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۲: ۴۹۵) روایاتی است که نقل شده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۸: ۶۱۵ - ۶۲۰). اما ارتباط تحری با نماز طواف آن است که واجب است نماز طواف نزد مقام ابراهیم خوانده شود و در صورت ازدحام جمعیت پشت مقام ابراهیم یا یکی از دو طرف مقام بخواند. اما اینجا تحری واجب است. یعنی سعی و تلاش کند هر مقدار که امکان دارد نزدیک به مقام باشد. این فتوا در کشف اللثام (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۴۴۹) آمده و صاحب ریاض المسائل در کتاب‌های خود پذیرفته و بیان داشته است (حائری، ۱۴۱۸، ج ۷: ۲۲ و ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۱۹) حتی اگر تعذر داشت در صورت امکان کمی دورتر از مقام بخواند. اما وجوب تحری ضروری است.

**دلیل مسئله:** مستند وجوب تحری نخست آیه شریفه «اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ» (بقره/ ۱۲۵) است که به صراحت خداوند فرموده از مقام ابراهیم عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید. در تفاسیر فریقین ذیل آیه یاد شده به اطلاق آیه در وجوب نماز نزد مقام اشاره شده است که به تعبیری وجوب تحری از آن استنباط می‌شود؛ یعنی در حد امکان نماز نزد مقام یا نزدیک آن خوانده شود. در تفاسیر اهل سنت می‌توان به تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۲۷)، احکام القرآن (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۱: ۹۱)، و احکام القرآن (ابن عربی، بی تا، ج ۱: ۴۰) و در تفاسیر شیعه نیز به التبیان فی تفسیر القرآن (طوسی، بی تا، ج ۱: ۴۵۳) و مجمع البیان فی تفسیر القرآن (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۸۴) اشاره کرد. دلیل دوم اطلاق روایاتی است که دستور می‌دهد نماز نزد مقام ابراهیم خوانده شود (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۸: ۶۱۵ - ۶۲۰). دلیل سوم به جهت اصل است؛ یعنی اصل آن است که نماز نزد مقام یا نزدیک به مقام خوانده شود (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۴۴۹؛ حائری، ۱۴۱۸، ج ۷: ۲۲). بدین جهت یکی از مصادیق وجوب تحری نماز طواف نزد مقام ابراهیم است. حتی اگر نماز طواف را فراموش کرد، مشهور بین فقها آن است که واجب است برگردد و نماز طواف را بجا آورد؛ مگر اینکه برای برگشتن مشقت داشته باشد (سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۳۲؛ نجفی، ۱۴۲۲: ۱۳۴). در این حالت نیز تحری وجوب دارد.

#### ۵. نتیجه

۱. یکی از اصطلاحات فقهی تحری است که در آن مکلف می‌کوشد همه توان خود را به کار بندد تا به مطلوب شارع دست پیدا کند. تحری در ابواب مختلف فقهی کاربرد دارد که محقق در پژوهش حاضر تحری در عبادات از منظر وجوب و استحباب را بیان کرد. مصادیق وجوب تحری در عبادات شامل مواردی همچون تیمم، نماز، روزه، اعتکاف، و حج است.

۲. در تیمم سه مصداق دارد. نخست، هنگامی که مکلف برای تیمم زمین (خاک و سنگ) ندارد و مجبور است از غبار لباس یا غبار نم‌زین اسب یا غبار یال چهارپا برای تیمم استفاده کند باید تحری کند تا غبار از جنس خاک باشد؛ دوم، اگر شخصی در مسجدالحرام یا مسجدالنبی محتلم شود باید تحری کند تا محتلم هر چه سریع‌تر تیمم را انجام دهد و همه تلاش خود را به کار ببندد تا از نزدیک‌ترین راه از مسجد خارج شود؛ سوم، در صورتی که خاک برای تیمم نباشد یکی از اشیائی که تیمم بر آن صحیح است وحل (گرم نرم و رقیق) است. اینجا نیز وجوب تحری به معنای آن است که تلاش کند تا گل نرم را خشک و سپس تیمم کند.

۳. در وجوب تحری در نماز نیز سه مورد احصا شد. نخست، اگر ضرورت اقتضا کرد نماز را روی مرکب یا در وسیله نقلیه بخواند باید تحری کند تا حد امکان نماز به سمت قبله باشد؛ دوم، در صورت عجز در قیام نماز، مکلف نشسته نماز می‌خواند و وجوب تحری اقتضا می‌کند به اندازه‌ای خم شود که صورت در محاذی زانو و ران پا قرار گیرد. مقدار کامل آن طوری است که صورت تا موضع سجده پایین بیاید. سوم، در نماز قضا اگر مکلف تعداد نمازهای قضا شده را نمی‌داند باید تحری کند. یعنی تلاش کند تا به مقداری که ظن و گمان قوی به ادای تکلیف نمازهای فوت شده حاصل می‌شود نمازها را قضا کند.

۴. در مورد روزه فقها سه مورد را از مصادیق وجوب تحری ذکر کرده‌اند. نخست، اسیر و زندانی که امکان تحصیل علم به ماه رمضان ندارد باید تحری کند تا علم به ماه رمضان پیدا کند و روزه بگیرد؛ دوم، در کفارة روزه که باید سی و یک روز را روزه بگیرد وجوب تحری اقتضا دارد طوری روزه گرفتن را آغاز کند که هیچ مانع شرعی مانند عید [فطر و قربان] یا ماه رمضان روزه گرفتن را قطع نکند و زمان از موانع شرعی سالم بماند. در غیر این صورت این گونه روزه گرفتن مجزی نیست؛ سوم، در نذر روزه یک ماه نیز که حداقل آن پانزده روز است باید تحری کند. یعنی ماهی را طلب کند که بتواند یک ماه روزه بگیرد.
۵. در اعتکاف معتکف نمی‌تواند از مسجد خارج شود مگر برای ضرورت باشد که خروج برای تخی از جمله ضروریات است. تحری در اینجا بدین صورت است که در مسیر رفت و برگشت اجازه انجام دادن کار غیر ضروری و مکث و توقف را ندارد و باید به قدر ضرورت اکتفا کند.
۶. بعد از اتمام طواف، خواندن دو رکعت نماز واجب است و وجوب تحری موجب می‌شود نماز طواف نزد مقام ابراهیم خوانده شود و در صورت ازدحام جمعیت پشت مقام ابراهیم یا یکی از دو طرف مقام بخواند.

## منابع

قرآن کریم

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم. تحقیق: اسعد محمد الطیب. ج ۳. عربستان: مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. ج ۴، قم: اسماعیلیان.

ابن ادیس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن انس، مالک (۱۴۲۵). موطأ الإمام مالک (۸ جلد). ابوظبی: مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخیریه و الإنسانیه.

ابن حجاج، مسلم (۱۴۱۲). صحیح مسلم (۵ جلد). قاهره: دار الحدیث.

ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶). مسند الإمام أحمد بن حنبل (۵۰ جلد). بیروت: مؤسسه الرساله.

ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر (بی تا). احکام القرآن. بی جا: نرم افزار نور - جامع التفاسیر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. ج ۳. بیروت: دار صادر.

اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

اسکافی، ابن جنید، محمد بن احمد کاتب بغدادی (۱۴۱۶). مجموعه فتاوی ابن جنید. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

اشتهاردی، علی پناه (۱۴۱۷). مدارک العروه، دار الأسوه. تهران.

ألوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. تحقیق: علی عبدالباری عطیه. بیروت: دار الکتب العلمیه.

بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰). صحیح البخاری (۱۱ جلد). ج ۲. قاهره: جمهوری مصر العربیه. وزارة الاوقاف.

المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه. لجنة إحياء كتب السنة.

بهجت، محمدتقی (۱۴۲۳). وسیله النجاة. ج ۲. قم: شفق.

ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹). الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی (۶ جلد). قاهره: دار الحدیث.

ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. تحقیق: ابو محمد بن عاشور. بیروت: دار

إحياء التراث العربی.

جزائری، سید نعمه الله (۱۴۰۸). كشف الأسرار فی شرح الاستبصار. قم: مؤسسه دار الکتب.

جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵). احکام القرآن. تحقیق: محمدصادق قمحاوی. بیروت: دار احياء التراث العربی.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم للملایین.

حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۰۹). الشرح الصغير فی شرح مختصر النافع - حدیقه المؤمنین. قم: انتشارات کتابخانه

آیت الله مرعشی نجفی.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

حلبی، ابن زهره، حمزه بن علی حسینی (۱۴۱۷). غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳). الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام.

حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵). الجامع للسرائع. قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه.

خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. ج ۲. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

سبزواری، محقق، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱). ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

\_\_\_\_\_ (۱۴۲۳). کفایة الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

سلار دیلمی، حمزه بن عبد العزیز (۱۴۰۴). المراسم العلویة و الأحکام النبویة. قم: منشورات الحرمین.

سیدمرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۳۸۷). جمل العلم و العمل. نجف: مطبعة الآداب.

- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵). الانتصار فی انفرادات الإمامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی. شهید اول، عاملی، محمد بن مکی (بی تا). القواعد و الفوائد. قم: کتاب فروشی مفید.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰). اللعنه الدمشقیه فی فقه الإمامیه. بیروت: دار التراث.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴). غایه المراد فی شرح نکت الإرشاد. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷). الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه. ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۹). ذکرى الشیعه فی أحكام الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۲). روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰). الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه (المحشى - کلانتر). قم: کتاب فروشی داوری.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۲). الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه (المحشى - سلطان العلماء). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴). حاشیه الإرشاد. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۲). حاشیه شرائع الإسلام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ صدوق اول، علی بن بابویه (بی تا). مجموعه فتاوی ابن بابویه. قم.
- \_\_\_\_\_ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵). المقنع. قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
- \_\_\_\_\_ طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- \_\_\_\_\_ طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۹). العروه الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تحقیق و مقدمه: محمدجواد بلاغی. ج ۳. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- \_\_\_\_\_ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیه. ج ۳. تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. ج ۲. بیروت: دار الکتب العربی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام. ج ۴. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق و مقدمه: شیخ آعابزرگ تهرانی و احمد قصیرعاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_ طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸). الوسیله إلى نیل الفضیله. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- \_\_\_\_\_ طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. ج ۲. تهران: انتشارات اسلام.
- \_\_\_\_\_ عاملی، بهاءالدین، محمد بن حسین (۱۳۹۰). الحبل المتین فی أحكام الدین. قم: کتاب فروشی بصیرتی.
- \_\_\_\_\_ عاملی، سید جواد بن محمد حسینی (۱۴۱۹). مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العالمه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ عاملی، سید محمدحسین ترحینی (۱۴۲۷). الزبده الفقهیه فی شرح الروضه البهیة. ج ۴. قم: دار الفقه للطباعه و النشر.
- \_\_\_\_\_ عاملی، محقق کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد. ج ۲. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- \_\_\_\_\_ عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱). مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام. بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- \_\_\_\_\_ عراقی، ضیاءالدین (۱۳۸۸). الاجتهاد و التقليد. قم: نوید اسلام.

- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۰۴). الاجتهاد و التقليد (مبادئ الوصول إلى علم الأصول). قم: المطبعة العلمية.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۲). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴). تذكرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۹). نهاية الأحكام فی معرفة الأحكام. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۰). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.

عليه السلام.

- عماني، حسن بن علي بن ابي عقيل حذاء (۱۴۱۳). حياة ابن أبي عقيل و فقهه. قم: مركز معجم فقهي.
- فاضل آبي، حسن بن ابي طالب يوسفی (۱۴۱۷). كشف الرموز فی شرح مختصر النافع. ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتيح الغيب. ج ۳. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- فخرالمحققين، حلی محمد بن حسن بن يوسف (۱۳۸۷). إيضاح الفوائد فی شرح مشكلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعيلیان.
- فرزاد، پارسا (۱۴۰۱). مفهوم تحری؛ مشروعیت، کاربرد، و احكام آن. فقه و اصول، سال ۵۴، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۲۹.
- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (۱۴۲۹). معتصم الشیعة فی أحكام الشریعة. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). الکافی. قم: دار الحديث للطباعة و النشر.
- مجلسی اول، محمدتقی (۱۴۰۶). روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. ج ۲. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان بور.
- مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. ج ۲. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶). ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۷). المتعبر فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سیدالشهداء علیه السلام.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۸). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. ج ۲. قم: مؤسسه اسماعيلیان.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸). المختصر النافع فی فقه الإمامية. ج ۶. قم: مؤسسه المطبوعات الدينية.
- مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹). هدی القرآن. تهران: دار محبی الحسین.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- منسوب به امام رضا، علی بن موسی عليهم السلام (۱۴۰۶). الفقه - فقه الرضا. مشهد: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۴). توضیح المسائل. ج ۸. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- موسوی خویی، سید ابو القاسم (بی تا). المستند فی شرح العروة الوثقی (۴ جلد). نرم افزار نور - فقه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸). موسوعه الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
- مهنا، عبدالله علی (۱۴۱۳). لسان اللسان: تهذیب لسان العرب. بيروت: دار الکتب العلمية.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۱۷). غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- نجفی، صاحب الجواهر، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ج ۷. بيروت: دار إحياء التراث العربی.
- نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی (۱۴۲۲). كشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (بی تا). شرح طهارة قواعد الأحكام. مؤسسه کاشف الغطاء.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵). *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.  
 نراقی، مولی محمد مهدی بن ابیذر (۱۴۲۲). *معتمد الشیعه فی احکام الشریعه*. قم: کنگره بزرگداشت نراقی.  
 واسطی، زبیدی، حنفی، محب‌الدین، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر  
 للطباعة و النشر و التوزیع.

#### The Holy Quran

- Aamili, M. A. M. (1990). *Al-Ahkam documents in the description of Islamic worship*. Beirut: Al-Bayt Institute. (in Arabic)
- Aamili, Mohaghegh Karki, Mohaghegh Thani, A. H. (1993). *Jami al-Maqasad fi Sharh Al-Qasas*. Second edition. Qom: Al-Bayt Institute. (in Arabic)
- Aamili, S. J. M. H. (1998). *Miftah al-Karamah fi Sharh al-Qa'aw al-Alama*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Aamili, S. M. H. T. (2006). *Al-Budatar al-Fiqhiya fi Sharh al-Rudah al-Bahiya*. 4<sup>th</sup> edition. Qom: Dar al-Fiqh for Printing and Publishing. (in Arabic)
- Aamily, B. D. M. H. (2013). *Al-Habal al-Mattin fi Akhama al-Din*. Qom: Basirti Bookstore. (in Arabic)
- Allameh Hali, H. Y. M. A. (1983). *Al-Ijtihad and Al-Taqlid (Principles of Arriving at the Knowledge of Usul)*. Qom: Al-Mattabah Al-Elamiya. (in Arabic)
- (1989). *Irshad al-Azhan to the rules of faith*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- (1991). *The End of the story in the research of religion*. Mashhad: Islamic Research Council. (in Arabic)
- (1992). *Various Shi'ites in Islamic Laws*. Second edition. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- (1999). *End of the Laws in the Knowledge of Laws*. Qom: Al-Bayt Institute. (in Arabic)
- Alousi, S. M. (1995). *Ruh al-Ma'ani in Tafsir al-Qur'an al-Azeem*. research: Ali Abdulbari Attiya. Beirut: Dar al-Kitab Al-Alamiya. (in Arabic)
- Amani, H. A. A. H. (1997). *Ibn Abi Aqeel's life and jurisprudence*. Qom: Center of Jurisprudence. (in Arabic)
- Ardabili, A. M. (1987). *Majma al-Fedat wa al-Barhan in the explanation of Irshad al-Azhan*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Askafi, Ibn Junayd, M. A. K. B. (1999). *Ibn Junayd's Fatawi Collection*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- At-Tirmidhi, M. I. (1999). *Al-Jaami Al-Sahih and Hu Sunan Al-Tirmidhi* (6 Volumes). Cairo: Dar al-Hadith. (in Arabic)
- Attributed to Imam Reza, Ali bin Musa, peace be upon him (1990). *Fiqh - Fiqh al-Reza*. Mashhad: Al-Bayt Institute. (in Arabic)
- Bahrani, Al-Asfour, Y. A. I. (19<sup>^</sup>9). *Al-Hadaiq al-Nadrah fi Ahakam al-Utrah al-Tahira*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Behjat, M.T. (2002). *Wasile al-Najat*. Second edition. Qom: Shafaq Publications. (in Arabic)
- Bukhari, M. I. (1989). *Sahih al-Bukhari* (11 Volumes). Second edition. Cairo: Arab Republic, Ministry of Endowments, Majlis al-Ala for Islamic Affairs, Committee for the Book of the Sunnah. (in Arabic)
- Eshtrreddi, A.P. (2000). *Madarak al-Arwa*. Tehran: Dar al-Aswa. (in Arabic)
- Fadel Abi, H. A. T. Y. (2000). *Discovering the Symbols in the Brief Description of Al-Nafi*. 3<sup>rd</sup> edition. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Fadel Handi, M. H. (1999). *Kashf al-Latham and al-Ibham on the Rules of Al-Ahkam*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Faiz Kashani, M. M. Sh. M. (2008). *Mu'tasim al-Shi'a in Al-Ahkam al-Sharia*. Tehran: Martyr Motahari High School. (in Arabic)
- Fakhr al-Muhaqqin, H. M. H. Y. (1967). *Explanation of benefits in the explanation of the problems of rules*. Qom: Ismailian Institute. (in Arabic)
- Fakhrazi, M. O. (1999). *Al-Mafiyat al-Gheeb*. 3<sup>rd</sup> edition. Beirut: Dar Ahya Al-Tarath al-Arabi. (in Arabic)
- Farzad, P. (1980). Tahri concept; its legitimacy, application and rulings. *Fiqh and Usul magazine*, year 54, No. 2, Consecutive number 129. (in Arabic)
- First Majlisi, M.T. (1406/1985). *Rawda al-Mu'taqin fi Sharh Man La Yahdrah al-Faqih*. Second edition. Qom: Kushanbur Islamic Cultural Institute. (in Arabic)
- First Martyr, Ameli, M. M. (1400/1979). *The end of jurisprudence and al-fatawi*. Second edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (in Arabic)
- (1407/1986). *Tahdeeb al-Ahkam*. 4<sup>th</sup> edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (in Arabic)

- Arabic)  
 -----, (14191998). *Memorial of the Shia in the Laws of Al-Sharia*. Qom: Al-Bayt Institute.  
 (in Arabic)  
 -----, (n.d.). *Al-Gaqra and al-Fawida*. Qom: Mofid bookstore. (in Arabic)  
 -----, (n.d.). *Al-Tabyan in Tafsir al-Qur'an*. research: with an introduction by Sheikh  
 Aghazourg Tehrani and research by Ahmad Qasir Aamili. Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi. (in Arabic)  
 Haeri, S. A. M. T. (14091988). *Al-Sharh al-Saghir fi Sharh Khats al-Nafee - Garden of Al-Mominin*. Qom:  
 Publications of Ayatollah Murashi Najafi Library. (in Arabic)  
 Halabi, Abu al-Salah, T. D. N. D. (14031982). *Al-Kafi fi Fiqh*. Isfahan: General Library of Imam Amir al-  
 Mu'minin, peace be upon him. (in Arabic)  
 Halabi, I.Z. H. A.H. (14171996). *Ghaniyyah al-Nizwa al-Ili al-Usul wa al-Faroo*. Qom: Institute of Imam Sadiq,  
 peace be upon him. (in Arabic)  
 Hali, Y. S. (14051984). *Al-Jamee Lal-Sharae*. Qom: Sayyed Al-Shahada Al-Elamiya Foundation. (in Arabic)  
 Harr Aamili, M. H. (14091988). *Shi'ite means*. Qom: Al-Bayt Institute. (in Arabic)  
 Ibn Manzoor, M. M. (14141993). *The Arab Language*. 3<sup>rd</sup> edition. Beirut: Dar Sadir. (in Arabic)  
 Ibn-Abi-Hatim, A. R. M. (14191998). *Tafsir al-Qur'an al-Azeem*. research: Asad Muhammad al-Tayeb. 3<sup>rd</sup>  
 edition. Arabia: Nizar Mustafa Al-Baz Library. (in Arabic)  
 Ibn-Anas, M. (14252004). *Mut'a al-Imam Malik* (8 Volumes). Abu-Dhabi: Zayed bin Sultan Al Nahyan Institute  
 for Charity and Humanity. (in Arabic)  
 Ibn-Arabi, M. A. A.B. (n.d.). *The Rules of the Qur'an*. Bija: Noor software - Jami al-Tafaseer. (in Arabic)  
 Ibn-Athir, M. M. (13671947). *Al-Jeena fi Gharib al-Hadith and Athar*. 4<sup>th</sup> edition. Qom: Ismailian. (in Arabic)  
 Ibn-Hajjaj, M. (14121991). *Sahih Muslim* (5 Volumes). Cairo: Dar al-Hadith. (in Arabic)  
 Ibn-Hanbal, A. M. (14161995). *Musnad al-Imam Ahmed bin Hanbal* (50 Volumes). Beirut: Al-Risalah  
 Foundation. (in Arabic)  
 Ibn-Idris-Hali, M. M. A. (14101989). *Al-Sara'er al-Hawi for Tahrir Al-Fatawi*. Second edition. Qom: Islamic  
 Publications Office. (in Arabic)  
 Iraqi, Z.D. (13881968). *Al-Ijtihad wa Al-Taqlid*. Qom: Navid Islam. (in Arabic)  
 Jasas, A. A. (14051984). *The Laws of the Qur'an*. research: Mohammad Sadiq Qomhawi. Beirut: Dar Ahyaya  
 Al-Trath Al-Arabi. (in Arabic)  
 Jazayari, S. N. (14081987). *Kafsh al-Asrar fi Sharh al-Istbasar*. Qom: Est. Dar al-Kitab. (in Arabic)  
 Johari, I. H. (14101988). *Sahaha - Taj al-Lagha and Sahaha al-Arabiya*. Beirut: Dar al-Alam for the millions.  
 (in Arabic)  
 Kalini, Abu Jafar, M. Y. (14292008). *Al-Kafi*. Qom: Dar al-Hadith for printing and publishing. (in Arabic)  
 Khansari, S. A. Y. (14051984). *Jami al-Madarak in a brief description of al-Nafi*. Second edition. Qom:  
 Ismailian Institute. (in Arabic)  
 Madrasi, S. M.T. (14191998). *Hoda al-Qur'an*. Tehran: Dar Mohibi Al-Hussein. (in Arabic)  
 Mehna, A. A. (14131992). *Lasan al-Lsan: Tahdeeb lesan al-Arab*. Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya. (in Arabic)  
 Mirzai Qommi, A.Q. M.H. (14171996). *The spoils of the days in the issues of halal and haraam*. Qom: Islamic  
 Propaganda Office Publications. (in Arabic)  
 Mofid, M. M. N A. (14131992). *Al-Maqna'a*. Qom: World Congress of Hazara Sheikh Mofid. (in Arabic)  
 Mohagheq Hali, Najm al-Din, J. H. (14071986). *Al-Mutabbar fi Sharh al-Mukhasar*. Qom: Syed al-Shahada  
 Institute. (in Arabic)  
 -----, (14081987). *Islamic Laws in Halal and Haram Issues*. Second edition. Qom:  
 Ismailian Institute. (in Arabic)  
 -----, (14181997). *Al-Mukhtasar al-Nafi in Fiqh al-Imamiya*. 6<sup>th</sup> edition. Qom: Al-  
 Mahbatat al-Diniya Foundation. (in Arabic)  
 Mousavi Khoi, S. A.Q. (14181997). *Al-Imam Al-Khoei Encyclopaedia*. Qom: Imam Al-Khoei Works Revival  
 Foundation. (in Arabic)  
 Mousavi Khoi, S. A.Q. (n.d.). *Al-Hakam in Sharh al-Arwa al-Wathqi* (4 Volumes). Noor-Fiqh Software. (in  
 Arabic)  
 Mousavi Khomeini, S. R. (14242003). *Explanation of Issues*. 8<sup>th</sup> edition. Qom: Islamic Publications Office. (in  
 Persian)  
 Najafi, Kashf al-Ghitah, J. Kh. M. (1422 2001). *Kashf al-Ghitah on the obscurities of Al-Sharia al-Ghara*. Qom:  
 Publications of the Islamic Tablighat Office. (in Arabic)  
 -----, (n.d.). *The Description of the purity of the rules of al-Ahkam*. Kashf al-Ghita  
 Institute. (in Arabic)  
 Najafi, Sahib al-Jawahar, M.H. (14041983). *Jawaharlal Kalam in the Explanation of Islamic Laws*. 7<sup>th</sup> edition.  
 Beirut: Dar Ihya Al-Trath Al-Arabi. (in Arabic)  
 Naraghi, M. A. M. M. (14151994). *Documentary of the Shia in Al-Ahkam al-Sharia*. Qom: Al-Bayt Institute. (in



- Arabic)  
 ----- (2001). *Shi'a's Trustee in Al-Ahkam al-Sharia*. Qom: Naraghi Commemoration Congress.  
 (in Arabic)  
 Qortobi, M. A. (1364<sup>ق</sup>). *Al-Jamee Lahakm Al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow Publications. (in Arabic)  
 Sabzevari, Mohaghegh, M.B. M.M. (2006). *Zakhira al-Ma'ad fi Sharh al-Irshad*. Qom: Al-Bayt Institute. (in Arabic)  
 ----- (1990). *Al-Lamaa al-Dumashqiyyah in Fiqh al-Imamiya*. Beirut: Dar al-Trath. (in Arabic)  
 ----- (1993). *The Goal of the meaning in explaining the point of al-Irshad*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)  
 ----- (1996). *Al-Dros al-Sharia fi fiqh al-Imamiya*. Second edition. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)  
 Sadouq, M. A. B. (1992). *Man La Yahdrah al-Faqih*. Second edition. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)  
 ----- (1994). *Al-Muqnaq*. Qom: Institute of Imam Hadi, peace be upon him. (in Arabic)  
 Saduq the first, A. B. (n.d.). *Ibn Babouyeh's collection of fatwas*. Qom. (in Arabic)  
 Salar Dailami, H. A. A. (1983). *Al-Marasim al-Alawiya and al-Ahkam al-Nabawiyya*. Qom: Charters of Al-Haramain. (in Arabic)  
 Seyed-Morteza, A. H. M. (1967). *Jamal al-Ilam wa Al-Alam*. Najaf: Al-Adab Press. (in Arabic)  
 ----- (1994). *Al-Intisar fi Infradat al-Imamiya*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)  
 Shahid Thani, Ameli, Z.D. A. (1981). *Ruz al-Jinan in the description of Irshad al-Azhan*. Qom: Publications of the Islamic Tablighat Office. (in Arabic)  
 ----- (1989). *Al-Rawda Al-Bahiya fi Sharh al-Lama' al-Damashqiyyah (Al-Mahshi - Kalantar)*. Qom: Davari bookstore. (in Arabic)  
 ----- (1991). *Al-Ruda al-Bahiya fi Sharh al-Lama' al-Damashqiyyah (Al-Mahshi - Sultan al-Ulama)*. Qom: Publications of the Islamic Tablighat Office. (in Arabic)  
 ----- (1992). *Masalak al-Afham to the revision of Sharia al-Islam*. Qom: Islamic Encyclopaedia Foundation. (in Arabic)  
 ----- (1993). *Hashiya al-Irshad*. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office. (in Arabic)  
 ----- (2001). *The Margin of Islamic Laws*. Qom: Publications of the Islamic Tablighat Office. (in Arabic)  
 Tabarsi, F. H. (1952). *Al-Bayan Forum in Tafsir al-Qur'an*. research: with an introduction by Mohammad Javad Balaghi. 3<sup>rd</sup> edition. Tehran: Nasser Khosrow Publishing House. (in Arabic)  
 Tabatabayi Yazidi, S. M.K. (1998). *Al-Arwa Al-Wathqi*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)  
 Tabatabayi, S. M.H. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. 5<sup>th</sup> edition. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society. (in Arabic)  
 Tayyeb, S. A.H. (1958). *Tayyeb Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Second edition. Tehran: Islam Publications. (in Arabic)  
 Thaalbi Neishaburi, A.I. A. I. (2001). *The Revelation and explanation of the interpretation of the Qur'an*. research: Abu Muhammad bin Ashour. Beirut: Dar Ihiya al-Trath al-Arabi. (in Arabic)  
 The Second Majlisi, M.B. M.T. (1993). *Book of Fiqha*. Qom: Al-Bayt Institute. (in Arabic)  
 The Second Majlisi, M.B. M.T. (1983). *Al-Ijtihad and Al-Taqlid (Principles of Arriving at the Knowledge of Usul)*. Qom: Al-Mattabah Al-Elamiya. (in Arabic)  
 ----- (1983). *Miryah al-Aqool fi Sharh Akhbar Al-Ar-Rasoul*. Second edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.  
 ----- (1985). *Akhyar's refuge in understanding the news of news*. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library Publications. (in Arabic)  
 ----- (1991). *The end of the story in the research of religion*. Mashhad: Islamic Research Council. (in Arabic)  
 ----- (1992). *Rules of Al-Ahkam in the Knowledge of Halal and Haram*. Qom: Islamic Publications Office.  
 ----- (1992). *Various Shi'ites in Islamic Laws*. Second edition. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)  
 ----- (1998). *End of the Laws in the Knowledge of Laws*. Qom: Al-Bayt Institute. (in Arabic)  
 ----- (1999). *Tahrir Al-Ahkam Al-Sharia on the Imamate Madhhab*. Qom: Imam Sadiq Institute. (in Arabic)

- Tousi, Abu Jafar, M. H. (1967). *Al-Massut in Imamate Jurisprudence*. 3<sup>rd</sup> edition. Tehran: Al-Mortazawi Library for the Revival of Al-Jaafari Antiquities. (in Arabic)
- (2002). *Kefaya al-Ahkam*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- (2013). *Al-Istbasar Fima Akhtolf Man Al-Akhbar*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (in Arabic)
- Tusi, M. A. H. (1408<sup>هـ</sup> / ۱۹۸۷). *Al-Wasilah to Nil al-Fadilah*. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library Publications. (in Arabic)
- Wasti, Zubaydi, Hanafi, Mohibeddin, S. M.M. H. (1993). *Taj al-Arus Man Jawahar Al-Qamoos*. Beirut: Dar al-Fakr Lalprinta va Anshaar va al-Tawzii. (in Arabic)